

توصیه ها

⁹ به کلیسا چیزی نوشتم لکن دیوتریفیس که سرداری بر ایشان را دوست می‌دارد، ما را قبول نمی‌کند.¹⁰ لهذا اگر آیم، کارهایی را که او می‌کند به یاد خواهیم آورد زیرا به سخنان ناشایسته بر ما یاوه‌گویی می‌کند و به این قانع نشده، برادران را خود نمی‌پذیرد و کسانی را نیز که می‌خواهند، مانع ایشان می‌شود و از کلیسا بیرون می‌کند.¹¹ ای حبیب، به بدی اقتدا منما، بلکه به نیکویی. زیرا نیکوکردار از خداست، و بدکردار خدا را ندیده است.

¹² همهٔ مردم و خود راستی نیز بر دیمتریوس شهادت می‌دهند و ما هم شهادت می‌دهیم و آگاهید که شهادت ما راست است.¹³ مرا چیزهای بسیار بود که به تو بنویسم، لکن نمی‌خواهم به مرکب و قلم به تو بنویسم.

¹⁴ لکن امیدوارم که به زودی تو را خواهم دید و زبانی گفتگو کنیم.⁰ سلام بر تو باد. دوستان به تو سلام می‌رسانند. سلام مرا به دوستان نام به نام برسان.

مقدمه

¹ من که پیرم، به غایس حبیب که او را در راستی محبت می‌نمایم.² ای حبیب، دعا می‌کنم که در هر وجه کامیاب و تندرست بوده باشی، چنانکه جان تو کامیاب است.³ زیرا که بسیار شاد شدم چون برادران آمدند و بر راستی تو شهادت دادند، چنانکه تو در راستی سلوک می‌نمایی.⁴ مرا بیش از این شادی نیست که بشنوم که فرزندانم در راستی سلوک می‌نمایند.

کمک به مبلغان

⁵ ای حبیب، آنچه می‌کنی به برادران و خصوصاً به غریبان، به امانت می‌کنی،⁶ که در حضور کلیسا بر محبت تو شهادت دادند و هرگاه ایشان را بطور شایستهٔ خدا بدرقه کنی، نیکویی می‌نمایی.⁷ زیرا که بجهت اسم او بیرون رفتند و از امت‌ها چیزی نمی‌گیرند.⁸ پس بر ما واجب است که چنین اشخاص را بپذیریم تا شریک راستی بشویم.